



هلاکت و نابودی مردم در سه چیز است: کبر و حرص و حسد

مرحوم آیت الله العظمی آقامجتبی تهرانی در درس اخلاق خود گفته است: امام حسن مجتبی(ع) فرمودند: هلاکت و نابودی مردم در سه چیز است: کبر و حرص و حسد.

مرحوم آیت الله العظمی آقامجتبی تهرانی در درس اخلاق خود گفته است: امام حسن مجتبی(ع) فرمودند: هلاکت و نابودی مردم در سه چیز است: کبر و حرص و حسد.

به گزارش خبرگزاری مهر، متن زیر چکیده دهمین جلسه از بحث حسد از سلسله مباحث اخلاق مرحوم آیت الله العظمی آقامجتبی تهرانی است که فایل صوتی آن در سایت دفتر حفظ و نشر آثار وی، موجود است.

قال امام المجتبی(ع): "هلاک الناس فی ثلاث: الکبر، الحرص، الحسد. الکبر به هلاک الدین و به لعن ابلیس. الحرص عدو النفس و به اخرج آدم من الجنة. الحسد رائد السوء و به قتل قابیل هابیل. "امام حسن مجتبی(ع) فرمودند: هلاکت و نابودی مردم در سه چیز است: کبر و حرص و حسد. تکبر که به سبب آن دین از بین می رود و به واسطه آن، ابلیس، مورد لعنت قرار گرفت. حرص که دشمن جان آدمی ست و بواسطه ی آن آدم از بهشت خارج شد. حسد که سر رشته ی بدی ست و بواسطه آن قابیل، هابیل را کشت.

در هفته گذشته در رابطه با معالجه حسد از دو راه علمی و عملی صحبت کردیم. گفتیم علاج این رذیله با نگاه علمی، به این صورت است که فرد بیندیشد و ببیند که این رذیله برایش هم ضرر دنیوی دارد و هم ضرر دینی و ایمان او را از بین می برد.

بین رذیله حسد و ایمان تضاد وجود دارد به این صورت که نمی شود کسی هم مومن باشد و هم حسود. از یک طرف ابتلا به این رذیله، مایه ی تباهی اعمال و دوری از خدا ست، و از طرفی عدم ابتلا به آن، اینطور نیست که حالتی خنثی باشد؛ بلکه عدم ابتلا به این رذیله خودش یک فضیلت است و آثار نیک بسیاری دارد. در روایات آمده است که راه های تقرب به خدا بعد از معرفت الله، اقامه ی نماز و نیکی کردن به پدر و مادر، ترک حسد است. ترک حسد، یا دال بر عدم ابتلا به حالات نفسانی ای ست که نشانه حسدورزی ست و یا ترک همه کارهایی که از حسد نشات می گیرند؛ و اگر کسی برای ترک حسد به هر دو طریق اقدام کرد، همین باعث تقرب او به خدا می شود.

پیشتر گفتیم حسود، به واسطه تمایلش به زوال نعمت از غیر، به خدا و حکمت او اعتراض دارد. حضرت امیر (ع) در حدیثی دارند "الحسود غضبانٌ علی القدر". حسود در هنگام شروع ابتلا به این رذیله باید بیندیشد که آیا حسدش بر دوام و زوال نعمتی که دیگری از آن برخوردار است، تاثیری دارد یا خیر؟ ببیند آیا حسدورزی اش مانع فیض الهی خواهد شد و تاثیری در زوال نعمت از غیر دارد؟ قطعاً پاسخش منفی خواهد بود. چرا که اگر قرار بود حسد سادت نسبت به غیر مانع فیض الهی باشد باید در درجه اول تمام نعماتی که در اختیار حسود هست از او گرفته می شد، همینطور، در هیچ کجای دیگر عالم و در دست هیچ کسی، هیچ نعمت دیگری وجود نداشت و این یک قانون عقلی ست.

"اگر قرار باشد حسد باعث زوال نعمت از غیر شود، چون همه انسان ها به جز ۱۴ معصوم، در مقطعی از زمان و در درجه ای از طیف حسد، مبتلا به این رذیله هستند، پس باید تمام نعمات از همه افراد زایل می شد. چون خود افراد حسود هم بنا به آنچه پیشتر گفتیم دارای نعماتی هستند. (در یکی از شقوق حسد داشتیم که خود فرد نعمتی را دارد و می خواهد دیگری نداشته باشد، پس خودش هم می تواند محسود قرار گیرد).

قطعاً این گونه نخواهد بود. خداوند برای هر چیز "قدری" قرار داده است. لطف حق دایم است و فیض حق، مستمر و هیچ مانعی بر آنها نیست و نه حسد و نه هیچ چیز دیگر نقشی در آن ندارد.

در سوره ی بقره آمده است: "وَدَّ كَثِيرٌ مِّنْ أَهْلِ الْكِتَابِ لَوْ يَرُدُّونَكُم مِّنْ بَعْدِ إِيمَانِكُمْ كَقَارًا حَسَدًا مِّنْ عِنْدِ أَنْفُسِهِمْ" یعنی ایمان مومنان (نعمت غیر مادی) مورد حسد واقع شده است. آیا این حسدورزی تاثیری هم در میزان ایمان مومنان داشته؟ در سوره آل عمران پاسخ می دهد که "وَدَّتْ طَائِفَةٌ مِّنْ أَهْلِ الْكِتَابِ لَوْ يُضِلُّونَكُمْ وَمَا يُضِلُّونَ إِلَّا أَنْفُسَهُمْ وَمَا يَشْعُرُونَ". "که کفاری که می خواستند شما را گمراه کنند، خودشان گمراه شدند و فهم و شعورشان به این مساله نمی رسد (که حسدشان باعث گمراهی خودشان شد و نه شما).

اگر انسان به این نکته توجه کند که تمام نعمات و کمالات از منبع لایزال الهی و از آن اوست و همه چیز در ید قدرت اوست و محسود، موجودی فانی و ناتوان مثل خود اوست و نعمتش هر آینه ممکن است از دستش برود، آیا دیگر جایی برای حسادت می ماند؟ اگر آدمی خودش را به منبع و منشأ تمام خیرات و برکات پیوند دهد برایش راهگشا تر و امن تر و آرامش بخش تر نیست؟

اگر آدمی اینگونه فکر نکند بلاشک به وادی حسادت می افتد و نتیجه اش همان می شود که گفتیم:

ضرر به دین و دنیای خود

ضرر نرساندن به محسود

نفع دنیوی و اخروی رساندن به محسود: وقتی کسی حسد بورزد در واقع دارد ظلم می کند و همین جا اولین امتیاز را به محسود می دهد که او را در جایگاه مظلوم قرار داده و خودش ظالم شده است. از طرفی اگر حسدش جنبه عملی (قولی و زبانی و ...) پیدا کند، نفع رساندن به محسود است و حسنات خود را به پرونده محسود منتقل کرده و سیئات او را برای خود می خرد.

انسانی که به معاد و روز قیامت ایمان دارد کسی است که اگر مبتلا به حسد شد، امید به درمانش هست. و این انسان به واسطه ی اعتقادش، می داند که بزرگترین و سرنوشت ساز ترین و ارزشمند ترین نعمت، حسنات است که می تواند برایش نجات دهنده باشد. و از طرفی بالاترین ضرر و زیان و نقمته عبارتست از سیئات. حسود تمامی حسناتش را که بالاترین نعمت است، به محسود تقدیم می کند و تمامی سیئات او را، که بدترین ضررها و نعمتهاست، در هر حدی که باشد را دریافت می کند.

این شد یک نقض غرض! حسود می خواست نعمت را از محسود زایل کند اما خودش ضرر کرد و او حسود. حسود مثل یک ظالم به خودش بدترین ظلم را کرد. نه فقط در بعد آخرتی، که حتی در همین دنیا. حسود دشمن خودش است و دوست دشمن خودش! بدتر از هر دشمنی به خود آسیب می زند و دشمنش را شاد می کند.

۱- (پس برای علاج حسد در بعد علمی) محال است انسانی که معتقد به معاد و قیامت است، کمی به این مسائل بیندیشد و دست و دل از این رذیله نشوید و پرهیز نکند.

۲- (اما در بعد عملی، در قسم اول) علمای اخلاق می گویند فرد مقید بشود که اعمالی از او سر بزند که ضد حسد است. یعنی نصیحت. حسد انسان را به کبر می کشاند و نصیحت انسان را به وادی تواضع می برد. اگر کسی لبه پرتگاه حسد قرار گرفت بلافاصله شروع کند به نصیحت و خیرخواهی و اگر مثلاً جایی در معرض غیبت و بدگویی از کسی قرار گرفت بلافاصله به یاد کردن به نیکی از وی بپردازد (نه به دروغ، بلکه برای خریدن آبروی او) و اهتمام به این کار به تدریج برای انسان ملکه شده، کم کم به دوستی و مودت تبدیل می شود.

۳- (قسم دوم در بعد عملی) اگر می بیند نمی تواند مطابق مورد بالا عمل کند محیطش را طوری قرار دهد که برخوردی با محسود نداشته باشد. چرا که محیط رفت و آمدی و تعاملی فرد روی افکار او تاثیر دارد، حالت درونی اش را تشدید می کند و اگر نتواند خودش جلوی این حالت را بگیرد باید با تغییر محیط سعی کند که از خاطرش برود.

۴- (قسم سوم در بعد عملی) مصاحبت: انسان خود را مقید کند با کسانی معاشرت و مراوده کند که عاری از حسد هستند. از کسانی که عاری از حسد هستند افرادی را می توان برشمرد که نظر بلند دارند و اهل تنگ نظری و خساست و مال اندوزی نیستند. همچنین در ارتباط با افراد بد دهن باید توجه بسیار داشت و حساس بود...

۵- (قسم چهارم و مهمترین راهکار در بعد عملی) عدم غفلت از الله تعالی. همه مواردی که برشمردیم بدون مدد الله تعالی هیچ است؛ هیچ ... اگر مدد الهی همراه فرد نباشد، هیچ کدام از اقداماتش راه به جایی نمی برد.

انسان در هر لحظه به خدا پناه ببرد و اگر مبتلا به هر رذیله ای شد، بنشیند و ریشه یابی کند که این دامی که گرفتارش شده از کجا ناشی می شود و قبل از اینکه در وجودش ریشه بدواند، برود سراغ درمان آن. خدا به یاری اش می شتابد.